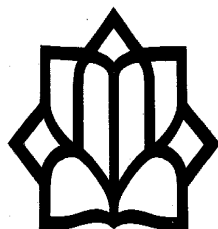


صلى الله عليه وسلم



دانشگاه کاشان

دانشکده علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات عربی

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان و ادبیات عربی

عنوان:

تحلیل عناصر داستان «بین القصرین» نجیب محفوظ

استاد راهنما :

دکتر محسن سیفی

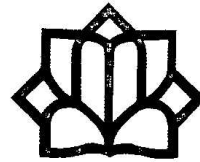
استاد مشاور :

دکتر علی نجفی ایوکی

به وسیله :

فاطمه پیمان

تیرماه ۱۳۹۰



دانشگاه کاشان
دانشکده علوم انسانی

بسمه تعالی

تاریخ:
شماره:
پرست:

مدیریت تحصیلات تکمیلی دانشگاه
صورتجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

نام و نام خانوادگی دانشجو: فاطمه بیمان	شماره دانشجو: ۸۶۲۲۱۰۲۹۹
رشته: ادبیات عرب	دانشکده علوم انسانی
عنوان پایان نامه: تحلیل عناصر داستان بین القصرین نجیب محفوظ	
تعداد واحد پایان نامه: ۴	تاریخ دفاع: ۱۳۹۰/۴/۲۲

این پایان نامه به مدیریت تحصیلات تکمیلی به منظور بخشی از فعالیتهای تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد ارائه می گردد. دفاع از پایان نامه در تاریخ ۹۰/۴/۲۲ مورد تأیید و ارزیابی اعضای هیأت داوران قرار گرفت و با نمره ۱۵/۸۳ به عدد ۱۵۸۳ و با درجه قابل قبول به تصویب رسید.
اعضای هیأت داوران:

عنوان	نام و نام خانوادگی	مرتبه علمی	امضاء
۱. استاد راهنما	دکتر محسن سیفی	استادیار	
۲. استاد مشاور	دکتر علی نجفی ایوکی	استادیار	
۳. متخصص و صاحب نظر دانشگاه	دکتر امیر حسین رسول نیا	استادیار	
۴. متخصص و صاحب نظر دانشگاه	دکتر سید رضا میر احمدی	استادیار	
۵. نماینده تحصیلات تکمیلی	دکتر روح الله صیادی نژاد	استادیار	

مدیریت تحصیلات تکمیلی دانشگاه

آدرس: کاشان - بلوار قطب روانی
کد پستی: ۵۱۱۶۷ - ۸۷۳۱۷
تلفن: ۵۱۱۲۷۲۷ - دورنگار ۵۱۱۲۷۷۷
<http://www.kashanu.ac.ir>

تقدیم به:

پیشگاه مقدس امام زمان (عج)

و

شهدای گمنام

قدردانی و سپاس :

از تمامی استادان گرامی که الفبای زندگی ام را از سرچشمه نگاهشان آموختم کمال تشکر را دارم؛ همانانیکه با فروغ علم و دانش مسیر زندگی ام را تابناک گردانیدند. از استاد راهنمای گرامی ام آقای دکتر محسن سیفی و استاد مشاور ارجمندم آقای دکتر علی نجفی ایوکی و استادان گرامی آقای دکتر امیر حسین رسول نیا، دکتر سید رضا میر احمدی و دکتر روح الله صیادی نژاد که با راهنمایی ارزشمند خود مرا در تدوین این پایان نامه یاری رساندند قدردانی می نمایم .

همچنین از داوران و استاد ناظر تحصیلات تکمیلی تشکر و قدردانی می شود.

چکیده:

نویسندگان از رهگذر داستان به ارائه افکار و اندیشه های خاص خود و گاه جامعه می پردازند و چه بسا آثار داستانی آینه تمام نمایی است که واقعیت های جامعه را منعکس می سازد. نویسندگان عرب نیز نقش تعیین کننده ای در گستره ادبیات معاصر بر عهده دارند. از میان آنها نویسنده مصری نجیب محفوظ توانست با کسب جایزه نوبل حضوری فعال و پر ثمر در عرصه ادبیات معاصر جهان بیابد. چه آنکه او در آثار داستانی خویش با نگرشی واقع گرایانه و جامعه شناختی عمده ترین مسائل سیاسی - اجتماعی مصر در برهه ای از زمان بیان نمود. باتوجه به جایگاه نجیب محفوظ در عرصه ادبیات داستانی عربی بر آن شدیم تا به تحلیل و بررسی «بین القصرین» یکی از آثار ماندگار این نویسنده بپردازیم. این پژوهش در سه فصل سیر ادبیات داستانی عرب، زندگی نجیب محفوظ، سیر نویسندگی وی و تحلیل عناصر رمان بین القصرین تدوین شده است. این پژوهش می نمایاند که نجیب محفوظ با در کنار هم قرار دادن عناصر داستانی در رمان بین القصرین توانست اثری در خور و شایسته تقدیم خوانندگان و مخاطبان خاص خود نماید؛ اثری که موضوع آن انسان، پیوند عمیقی با زندگی اجتماعی، کشمکش ها و سیاست های آن دارد. نویسنده با نگرش اجتماعی خود در این رمان به تبیین و معرفی سیمای طبقه بورژوازی جامعه مصری در دوره ای خاص از تاریخ گذشته آن می پردازد. جهان بینی نویسنده که متأثر از آگاهی طبقاتی و اجتماعی است بخش عظیمی از این اثر ادبی را تشکیل می دهد. آنچه در رمان بین القصرین نمایان است، داستان رویاروی فرهنگ و تاریخ ملت مصر با فرهنگ سیاسی و سلطه گر غرب، بویژه استعمار انگلیس است.

کلمات کلیدی: نجیب محفوظ، بین القصرین، عناصر داستان، جامعه مصر

الملخص:

قد يُعبّر الأديب عبر القصص عن آرائه و هواجسه الشخصية أو الاجتماعية التي تُدغدغه هو أو الشعب الذي يعيش بينهم. و قد تُعتبر القصة مرآة تعكس الواقع الموجود فعلا في مجتمع الأديب. من جملة الكتاب الذين قد استطاعوا أن يلعبوا دوراً حاسماً في مسار الأدب العربي و العالمي، هو الأديب و الكاتب المصري العبقرى نجيب محفوظ. و ليس هذا إلا لأنه اهتمّ بتصوير ما يجري في المجتمع المصري و العالم العربي المعاصر من المسائل السياسية و الاجتماعية و العُرفية التي يعيش معها الشعب العربي أحيانا، أو يتحمّلها حيناً.

قد اهتمّ الباحث، نظراً لأهمية آثار نجيب محفوظ القصصية و المكان الذي احتلّه في الأدب العالمي المعاصر، بدراسة و تحليل قصة «بين القصرين». يشمل هذا البحث ثلاثة فصول و يضم على الترتيب: مسار الأدب القصصي عند العرب منذ أقدم العصور إلى زماننا هذا؛ حياة نجيب محفوظ و مسار التطوّر الفكرى و الأسلوبى فى قصصه؛ و أخيراً تحليل العناصر الفنية فى قصة بين القصرين.

فالقارئ بعد قراءة هذه الرسالة يُدرك الدور الرئيس الذى لعبه الشكلُ الفنى الممتاز فى إنتاج الأثر المذكور و الذى يدور محوره حول الإنسان، و مصيره الاجتماعية و السياسية فى العالم العربى المعاصر. يُقدّم نجيب محفوظ فى قصّته هذه، صورة واضحة و ثقافة اللون عن الطبقة البرجوازية فى مرحلة من حياة المجتمع المصرى. فلذا قد نواجه كثيراً فى الأثر، آراء نجيب محفوظ الشخصية الميثرة، دون أى شك، من إمامه بالنظام الطبقي و الاجتماعى المصرى فى عصره الحاضر. من أهم الظواهر التى تبدو بشكل واضح فى «بين القصرين»، هو المقارنة بين ثقافة مصر و تاريخها العريق، من جانب، و ثقافة الغرب و سياسيتها التوسعية، و خاصة نظام انجلترا الاستعماري، من جانب آخر.

الكلمات الرئيسية: نجيب محفوظ، بين القصرين، المجتمع المصرى، عناصر القصة الفنية.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار.....
۵	فصل اول: مروری بر ادبیات داستانی عرب.....
۵	۱-۱) پیشگفتار.....
۶	۲-۱) سیرداستان نویسی عربی.....
۹	۳-۱) خاستگاه داستان نویسی معاصر عربی.....
۱۳	۴-۱) ادبیات داستانی معاصر عربی.....
۱۵	۵-۱) ادوار ادبیات داستانی معاصر عربی.....
۱۵	۱-۵-۱) دوره ترجمه.....
۱۶	۲-۵-۱) دوره تقلید.....
۱۶	۳-۵-۱) دوره ابتکار.....
۱۷	۴-۵-۱) دوره ظهور شخصیت‌های بزرگ داستانی.....
۱۸	۶-۱) ادبیات داستانی مصر.....
۲۲	فصل دوم: ندگی نجیب محفوظ و سیر داستان نویسی وی.....
۲۲	۱-۱-۲) زندگی نجیب محفوظ.....
۲۶	۲-۱-۲) نجیب محفوظ و ورود به عرصه علم (۱۹۳۰).....
۲۹	۳-۱-۲) نجیب محفوظ و موسیقی.....
۳۰	۴-۱-۲) نجیب محفوظ و سینما.....
۳۱	۵-۱-۲) نجیب محفوظ و جایزه نوبل.....
۳۲	۲-۲) سیر داستان نویسی نجیب محفوظ.....
۳۳	۱-۲-۲) مرحله گرایش تاریخی.....
۳۵	۱-۱-۲-۲) عبث الاقدار.....

۳۶(۲-۱-۲-۲) رادوبیس
۳۷(۳-۱-۲-۲) کفاح طیبه
۳۹(۲-۲-۲) مرحله گرایش اجتماعی – واقعی نجیب محفوظ
۴۰(۱-۲-۲-۲) القاهره الجديدة
۴۲(۲-۲-۲-۲) خان الخلیلی
۴۴(۳-۲-۲-۲) زقاق المدق
۴۵(۴-۲-۲-۲) بداية نهاية
۴۷(۵-۲-۲-۲) السراب
۴۹(۳-۲-۲) مرحله گرایش واقعی فلسفی نجیب محفوظ
۵۲(۴-۲-۲) مرحله تلفیق مسائل فلسفی با مسائل اجتماعی
۵۲(۵-۲-۲) مرحله گفتگو از طریق بحث وجدل
۵۳(۳-۲) الثلاثیه (سه گانه)
۵۵(۱-۳-۲) رمان الثلاثیه (سه گانه) از منظر ناقدان
۶۱ تفصل سوم: تحلیل عناصر داستان بین القصرین اثر نجیب محفوظ
۶۱(۱-۳) پیشگفتار
۶۲(۲-۳) عنوان رمان بین القصرین
۶۲(۳-۳) موضوع رمان بین القصرین
۶۳(۴-۳) خلاصه ای از رمان بین القصرین
۶۷(۵-۳) مقدمه یا شروع
۶۷(۱-۵-۳) شروع رمان بین القصرین

۶۹(۶-۳)درون مایه
۷۰(۱-۶-۳)درون مایه رمان بین القصرین
۷۴(۷-۳)طرح
۷۷(۱-۷-۳)طرح رمان بین القصرین
۹۳(۸-۳)شخصیت پردازی
۹۶(۱-۸-۳)شخصیت پردازی دررمان بین القصرین
۱۳۷(۹-۳)صحنه سازی
۱۴۰(۱-۹-۳)صحنه پردازی در رمان بین القصرین
۱۵۳(۱۰-۳)لحن
۱۵۴(۱-۱۰-۳)لحن رمان بین القصرین
۱۵۸(۱۱-۳)فضای سازی
۱۵۹(۱-۱۱-۳)فضا سازی در رمان بین القصرین
۱۶۷(۱۲-۳)زاویه دید
۱۶۹(۱-۱۲-۳)زاویه دید رمان بین القصرین
۱۷۳نتایج
۱۷۵خلاصة البحث
۱۸۸فهرست منابع

پیشگفتار :

ادبیات داستانی عربی نیز همچون سایر ملل از اهمیت بسزایی برخوردار است. داستان و داستان نویسی در ادبیات عربی با اسطوره‌ها و داستان‌های خیالی آغاز گردید و با آهنگ زمان و به تدریج به واقعیت گرایش یافت تا اینکه امروزه جنبه نمادین به خود گرفت. در این میان نقش نویسندگان عربی از همان ابتدا در روند و مسیر رو به جلو ادبیات داستانی مهم و ارزشمند می‌باشد. زیرا آنها با تألیفات ادبی و هنری خود توانستند همگان را با مفاهیم بنیادی داستان آشنا سازند و جنبه‌های مختلف زندگی را در قالب و ساختاری زیبا و هنرمندانه بیان نمایند. به عبارتی دیگر آنها در آثار داستانی خود با بیان مستقیم حقایق زندگی و مسائل گوناگون، مخاطبان و خوانندگان خاص خود را تحت تأثیر قرار دادند. در این میان نویسنده مصری، نجیب محفوظ حضوری چشمگیر در عرصه ادبیات داستانی عربی یافت. او با نائل شدن به جایزه نوبل ادبی برای ادبیات معاصر عربی توانست نظر همگان را به این سرزمین معطوف دارد. با حضور او در این عرصه بود که سرزمینی که از قرن‌های طولانی ادبیات شعر بر هر ژانر ادبی تسلط و سیطره داشت، اینک در عرصه ادبیات داستانی عربی حرفی برای گفتن پیدا کرد. با توجه به اهمیت روز افزون ادبیات داستانی و تحلیل آثار در این مجال و همچنین جایگاه نجیب محفوظ در ادبیات معاصر عربی در این تحقیق سعی بر این است بعد از سیری در ادبیات داستانی عربی در دوره‌های مختلف عربی و آشنایی با زندگی نجیب محفوظ و سیر داستانی وی، به تحلیل و بررسی عناصر و ساختار داستانی بین‌القصرین بخش اول از رمان بزرگ سه گانه نجیب محفوظ پرداخته شود بدین منظور این تحقیق دانشگاهی در سه فصل اصلی تنظیم و بازنگری می‌شود. با توجه به موضوع تحقیق که تحلیل عناصر داستانی بین‌القصرین می‌باشد ابتدا در فصل اول مروری بر ادبیات داستانی عربی از عصر جاهلی تا معاصر خواهد داشت و در ادامه ادبیات داستانی مصر را مورد توجه خود قرار می‌دهد. در فصل دوم به زندگی نجیب محفوظ و سیر داستان نویسی وی اشاره می‌شود که در این فصل نگارنده همزمان با اشاره به سیر داستان نویسی نجیب محفوظ به معرفی و بررسی آثار تاریخی و اجتماعی وی می‌پردازد و در پایان فصل به طور مفصل رمان سه گانه وی را معرفی می‌کند. در فصل سوم که بیشتر مورد توجه نگارنده است به تحلیل عناصر داستانی

رمان بین القصرین نجیب محفوظ می پردازد. بدین منظور ابتدا تعریفی از داستان و ساختار داستان ارائه می دهد و بعد ضمن بررسی این عناصر به جستجوی خصوصیت های آن در رمان بین القصرین می پردازد.

در زمینه آثار و سبک ادبی نجیب محفوظ تحقیقات دامنه داری صورت گرفته است. از جمله کتاب هایی که درباره زندگی نجیب محفوظ در دنیای عربی نگاشته شده می توان به «فی حب نجیب محفوظ» و «نجیب محفوظ صفحات من مذاکراته» تالیف «رجاء النقاش»، «نجیب محفوظ یتذکر» تالیف «جمال الغیطانی»، «الرمز والرمزیه فی ادب نجیب محفوظ» تالیف «سلیمان شطی»، «المتنمی دراسة فی ادب نجیب محفوظ» تالیف «غالی شکرى»، «الروائیون الثلاثة» تالیف یوسف شارونی و... اشاره کرد، که محقق در این پژوهش از آنها بهره گرفته است.

در ایران نیز در این زمینه مقاله ها و پایان نامه هایی نگاشته شده است از جمله آنها می توان به رساله «بررسی رئالیسم در ادب واقعی انتقادی نجیب محفوظ» اشاره کرد که این رساله دانشگاهی توسط «صلاح الدین عبدی» ارائه شده است. «حمید اکبری» مقاله ای تحت عنوان «العناصر القصصية فی رواية الشحاذ لنجیب محفوظ» به رشته تحریر درآورده است. همچنین «جواد اصغری» مقاله ای تحت عنوان «سیر رئالیسم اجتماعی در آثار نجیب محفوظ و محمود دولت آبادی» نگاشته است. از دیگر پایان نامه ها «تحلیل عناصر ادبی در ثلاثیه نجیب محفوظ» می باشد که توسط «مظفر اکبری» در دانشگاه بوعلی همدان ارائه شده است. همچنین رساله «سیر داستان نویسی معاصر مصر» توسط فرامرز میرزای در دانشگاه تربیت مدرس به رشته تحریر درآمده است.

اما رمان بین القصرین که مورد توجه محقق قرار گرفته نخستین بخش از رمان بزرگ سه گانه این نویسنده مصری است که این مجموعه یکی از آثار هنری ایشان است که آن اوج یک مرحله داستان نویسی کامل و شامل بسیاری از ویژگی های اجتماعی این مرحله است.

نگارنده در راستای پژوهش خود در تلاش است تا با ارائه تصویری روشن از شخصیت های داستان به چگونگی شخصیت پردازی توسط نویسنده بپردازد و دریابد که نویسنده تا چه حد توانسته بین عناصر داستانی مطرح شده در رمان و محتوای آن ارتباط برقرار سازد. همچنین سعی دارد تا طرح رمان بین القصرین را مورد توجه قرار دهد و به شرح اصول آن که توسط نویسنده اثر اعمال شده است بپردازد. هدف محقق از توجه به فضا سازی داستان بررسی عوامل سازنده در آن است و درصدد است تا به کشف رابطه آن با عامل مکان و زمان بپردازد چگونه با درون مایه آن پیوند خورده است.

با توجه به ارزش و اهمیت داستان مذکور محقق بر آن شده این اثر را از لحاظ عناصر داستانی تحلیل نماید تا از این رهگذر امکان درک نکته های بدیع و لطیف این اثر برای خواننده فراهم شود و درصدد است تا دریابد که نویسنده تا چه حدی به بیان مقصود اصلی خود نائل شده است. از این رو سعی در سنجش سهم هر عنصر داستانی در بیان مقصود اصلی نویسنده دارد، زیرا در یک داستان فنی هر عنصر با سایر عناصر در جهت تکمیل مقصود اصلی همکاری دارد و هیچ عنصری به طور منفرد و مجزا قابل بررسی نیست، لذا در پی این است که رعایت چه اصول و قواعدی سبب می شود که این اثر مورد قبول واقع شود.

در راستای این پژوهش با پرسشها و فرضیه هایی روبرو هستیم که برخی از آنها عبارتند از:

آیا عرب های دوره قدیم با مقوله داستان و داستان نویسی آشنایی داشته اند؟ جایگاه نجیب محفوظ در ادبیات معاصر عربی چگونه است؟ سیر داستان نویسی نجیب محفوظ به چه نحوی بوده است؟ شخصیت پردازی داستان بین القصرین توسط نویسنده به چگونه ترسیم می شود؟ و از مهم ترین فرضیه ها این است که شخصیت های داستان مدام در حال تغییر و تحولند. شخصیت های فرعی داستان از نقشهای اساسی و تعیین کننده ای برخوردار می باشند. زمان و مکان در داستان سهم عمده ای در این اثر دارد. بافت داستان به قدری نیرومند است که بقیه عناصر را تحت تاثیر خود قرار داده است.

این تحقیق می‌نمایاند که عرب‌ها بر حسب فطرت ذاتی خود از بدو پیدایش اولین نشانه‌های داستان‌نویسی علاقه ویژه‌ای به آن داشتند. هر چند در آن روزگاران این هنر به عنوان یک فن ادبی مستقل شناخته نشده بود اما می‌توان نشانه‌هایی از این فن را در ادب کهن عربی جستجو کرد و اذعان داشت که عرب‌ها با اسلوب کلی داستان‌آشنایی داشتند،

داستان و داستان‌نویسی همچنان در دوره‌های مختلف عربی وجود داشت و در هر دوره روند رو به جلویی طی می‌کرد، در این میان نویسندگان بزرگی پا به منصفه ظهور گذاشتند و هر کدام به نوبه خود سهم بزرگی در روند و سیر ادبیات داستانی عرب داشتند تا اینکه توانستند آن را به عنوان فنی مستقل و جدا از فنون ادبی دیگر به وجود آورند.

اما آنچه در این تحقیق مورد توجه قرار گرفته است نقش و جایگاه نجیب محفوظ نویسنده مصری در ادبیات معاصر عرب بویژه در عرصه داستان‌نویسی است. او نخستین نویسنده عرب بود که جایزه نوبل سال ۱۹۸۸ را از آن خود و زبان عربی کرد در این راستا بیش از نیم قرن از زندگی‌اش را وقف آفرینش‌های ادبی خود کرد و بیش از پنجاه کتاب به رشته تحریر درآورد.

آنچه در این پژوهش دارای اهمیت است بررسی رمان بین‌القصرین، نخستین رمان از مجموعه بزرگ سه‌گانه نجیب محفوظ است. نویسنده با نگارش این اثر ارزشمند سعی در ارائه مشکلات و مسائل سیاسی - اجتماعی ملت مصر در برهه‌ای از زمان گذشته دارد. در نتیجه رمان دارای محتوای و درون‌مایه‌ای اجتماعی - سیاسی می‌باشد؛ محتوایی که در بردارنده مسائل خاص طبقه بورژوازی مصری است که این مسائل در قالب یک خانواده مصری از طبقه خرده‌بورژوازی تجاری که دارای اعتقادات سنتی می‌باشند بیان شده است.

در این اثر هنری عناصر داستان بخوبی در خدمت پیشبرد داستان به کار گرفته شده است و طرحی مبتنی بر روابط علی، آن را از آغاز تا پایان استحکام و انسجام می‌بخشد؛ طرحی که بر اساس شخصیت‌های داستان بنا شده و خواننده را با یک طرح شخصیتی مواجه می‌نماید.

فصل اول:

مروری بر ادبیات داستانی عرب

۱-۱) پیشگفتار:

زمانی که انسان پی به وجود خود برد و به ارتباط دیگران نیاز پیدا کرد، قصه گفت و در شناخت و آشنایی با هر آنچه که برای او و هموعانش روی می داد، تلاش کرد. وی زمانی که توانست استعداد خود را در زمینه خلاقیت ادبی کشف نماید قصه گفت و حکایاتی را ابداع کرد و واقعیت ها را بازگو نمود و پیرامون آن سخن به میان آورد و در این راستا حوادث را به هم آمیخت و آنها را هنرمندانه در قالب گفتگو بین آدمهایی که آن را به وجود آوردند، بهم بافت چه این شخصیت ها واقعی و چه غیر واقعی بودند. قصه و داستان تمام دوران زندگی انسان را از کودکی تا پیری تحت شعاع خود قرار می دهد و همه مردم را در تمام مراحل زندگی بویژه در دوره کودکی به خود جذب می نماید.

قصه رخدادی گیرا است که به صورت شفاهی یا کتبی حکایت می شود و هدف آن القاء خبر به خواننده و جلب نظر اوست. باوجود این مفهوم، قصه ماجرای را به زبان ادبی زیبا شفاهی یا کتبی حکایت می کند و با اسلوب زیبایی خود لذت خاصی را در جان خواننده می افکند و میان اتفاقات و فضاهای خیالی و واقعی داستان هماهنگی خاصی ایجاد می نماید. چارلتون^۱ نویسنده انگلیسی معتقد است که اگر تصویری از واقعیت در داستان نباشد نمی توان آن را به عنوان یک هنر بشمار آورد. اما ناقد انگلیسی والتر آلن^۲ نقش داستان را به نسبت آگاهی و فهم اخلاقی در عصر جدید بیشتر از فنون دیگر می داند، بدین معنی که از طریق اندیشه و تکنیک های داستان می توان خواننده را به عمق داستان برد و بعد از آن که ساختار نوین آن بازنگری شود زندگی انسان را در معرض دید او قرار داد. شکل و هیأت عام داستان در نظر «فورستر» حکایتی است که تنها حوادث را در مجموعه بهم پیوسته همچون ستون فقرات انسان دنبال می کند. (شریبط، ۱۰)

1- Charlton
2- ValterALN

معنی کلی داستان ارتباطی تنگاتنگ با زندگی روزانه مردم از دیرباز دارد؛ زیرا زندگی هرملتی خالی از داستان شفاهی یا نوشتاری نیست. امامفهوم جدید داستان با آنچه در قدیم مرسوم بود از لحاظ نقش و تکنیک آن کاملاً فرق دارد، قصه امروزی دیگر حکایت حوادث مشخص یا بیوگرافی افراد نیست هرچند که با قالبهای مشخص از بقیه هنرهای بیانی دیگر همچون نمایشنامه و قصیده شعری متمایز است. (همان ۱۱)

«عادل فریجات» برای داستان ویژگی های خاصی قائل است که عبارتند از: ایهام و پیچیدگی داستان و جنبه سرگرمی آن، توانایی فعال کردن خیال آدمی، جنبه پند و اندرز دادن آن، به تصویر کشیدن حالات و تندکردن جریان زمان، ارائه نتیجه ای مطلوب. (۱۰)

۲-۱) سیر داستان نویسی عربی :

آثار ادبی را در یک تقسیم بندی کلی می توان در دو بخش شعر و نثر مجزا نمود که نثر خود اقسام مختلفی دارد که در میان آنها داستان از اهمیت ویژه ای برخوردار است و توانسته به جایگاه مهمی دست یابد و نگارش آن به عنوان یک هنر تلقی شود و آن، آثار ماندگاری را به جهان ادبیات تقدیم نموده است.

بدون شک قصه ها تصویرگر عادات خلق و خو و اندیشه و اعتقادات مردمانی است که آنها را می سازند و نقل می نمایند و گاه از ظرافت های خاصی برخوردار می باشد. قصه ها بخش مهمی از ادبیات هر ملتی را تشکیل می دهد. عربها نیز مانند بسیاری از ملت های دیگر، از دیرباز دارای قصه هایی بوده اند که نقل آنها گرمی بخش محافل شان بوده است. تاریخ داستان از بدو پیدایش اولین نشانه های آن تا به امروز مختص به یک ملت نبوده است زیرا انسان به طور غریزی به نقل و تبادل اخبار می پردازد. ملت عربی مانند دیگر ملل از دیرباز به نشر و انتشار اخبار بین محیط پیرامون خود می پرداخت، کما اینکه اخبار احوال دیگران را از ملت های مجاور خود کسب می کرد. میراث ادبی که تا کنون به ما رسیده امور بسیاری از زندگی ملت های دیگر را در خود جای داده است. در این مجال بر آنیم تا ادبیات داستانی عربی را در ادوار مختلف ادب عربی بررسی نماییم.

در قدیم، عرب های بدوی از آنجا که نوشتن نمی دانستند و وسیله دیگری برای ثبت اسطوره ها و داستان ها نداشتند آنها را سینه به سینه نقل می کردند و یا در قالب شعر بیان می نمودند، تا آسان تر به خاطر سپرده شود. در این میان داستان های عاشقانه از جایگاه ویژه ای برخوردار بود که از آن جمله می توان به داستان عنتره مشهورترین قهرمان افسانه عصر جاهلی عربی اشاره کرد. (خفاجی ۱۳۹)

البته نباید از نظر دور داشت که عرب ها علاوه بر نقل داستان های عاشقانه به بازگو کردن داستان های حماسی توجه داشتند؛ زیرا آنان مردمانی جنگجو بودند و مدت های مدیدی در جنگ و نبرد با یکدیگر بسر می بردند، از این رو پیرامون دلاوری ها و قهرمانی های قوم خود داستان سرایی می کردند و نقل این گونه قصه ها گرمی بخش محافل شبانه شان بود. با ظهور اسلام داستان سرایی در جهان عربی رنگ و بوی تازه ای یافت و مفاهیم بنیادی تری به خود گرفت، در این میان قرآن کریم نقش مهمی را بر عهده گرفت.

احمد شریبط در این زمینه می گوید: «در قرآن کریم تعداد زیادی از قصه های زیبای دینی وجود دارد، قصه پیامبران و ملت های گذشته و همه آنچه که بر اثر حوادث دگرگون شده با شیوه زیبای داستانی در این کتاب آسمانی نشان داده شده است مانند قصه نوح و قوم او، قصه حضرت ابراهیم (ع) و اسماعیل (ع)، قصه یوسف، قصه موسی و فرعون و وجه تمایز قصه های قرآنی در این است که جنبه فنی آن مورد نظر نیست بلکه هدف از آمدن این قصه ها تنها به منظور دینی است و هدفی جز پند و اندرز ندارد. احادیث نبوی از جنبه داستانی خارج نمی باشد؛ زیرا نقل شده که پیامبر اکرم (ص) قصه هایی همچون قصه اصحاب کهف را برای زنان خود روایت می کردند. خلفای راشدین توجه خاصی به قصه ها داشتند مثلاً عمر بن الخطاب به قصه سرایان دستور داد که هفته ای یک روز برای مردم قصه بگویند و اینکه داستان هایی با مضمون عدالت و سیاست ترجمه شود. عثمان نیز به قصه سرایان دستور داد که هفته ای دو روز برای مردم قصه بگویند. حضرت علی (ع) هم به حسن بصری اجازه داد که در مسجد قصه گوید.» (۱۲)

بنابراین ظهور اسلام نقش تعیین کننده ای در انتشار و گسترش انواع قصه ها دارد، چرا که هدف والای قرآن برآن بوده تا مردم را با مفاهیم والای اسلامی و انسانی آشنا نماید و در یک کلمه مردم را به سوی اسلام رهنمون سازد و این مهم را از طریق نقل ماجراها و رویدادهای گذشته انجام می دهد. در این میان پیامبر اکرم در دعوت همگان به سوی اسلام از طریق گفتن اخبار و حوادث گذشته که جنبه داستانی دارد نقش اساسی داشت.

در عصر اموی توجه مردم به قصه ها فزونی یافت این درحالی بود که عرب ها دارای دین دولتی بودند، در این عصر زندگی مردم با لهو لعب و نیز جنگ و نبرد همراه بود؛ همچنین ارتباط عرب ها با خارج از شبه جزیره عربستان گسترش یافت و آنها از بسیاری از قصه های ایرانیان، رومیان، هندیان و دیگر امت های قدیمی مطلع شدند و در نتیجه دایره خیالشان وسعت پیدا کرد و استعدادشان در این زمینه شکوفا شد. (خفاجی ۱۳۹)

آری داستان نویسی توسط نویسندگان بزرگ، عبد الله بن مقفع به اوج خود رسید از آنروی که او متون فارسی که اصل آن به زبان هندی بود را ترجمه کرد که محور اصلی این متون در مورد سلطان و شبان، عدالت و ظلم و ستم بود. ابن مقفع این متون را تحت عنوان کلیله و دمنه بین مردم منتشر ساخت. بعد از آن بود که داستان از لحاظ ساختار و مضمون بین حکایات، اخبار، سیر و مقامه ها گسترش یافت. (شربیط ۱۲)

در عصر عباسی، قصه ها و حکایات از لحاظ کمیت در ادب عربی فراوان گشت اما از نظر کیفیت، پیشرفتی در محتوا و اسلوب آن حاصل نشد. برای نخستین بار در آغاز این عصر، قصه ها تدوین گشت. کتاب های زیادی در این دوره تألیف شد که حاوی قصه ها و حکایات بودند. در این عصر عربها در برخورد و ارتباط با دیگر ملل بسیاری از علوم و فنون را از آنان اقتباس و در عصر نهضت ترجمه کرده و به زبان عربی برگرداندند. (بستانی ۴۰۴)

از داستان های تألیف شده عربی در عصر عباسی می توان به «البخلاء»، رساله «التوابع و الزوابع» از «ابن شهید اندلس»، رساله «غفران ابوعلی معری» و «هزار و یک شب» که اصل آن هندی یا ایرانی است، اشاره کرد. اما مقامات از انواع قصه

های عربی اند که به داستان فنی عربی معاصر نزدیک ترمی باشند و برخی خاورشناسان آن را نقطه آغاز قصه عربی می دانند. مقامه داستان کوتاهی است که حاکی از ماجراجویی های قهرمانان خرافی است که راوی مشخصی آن را حکایت می کند و جنبه تعلیمی دارد. مورخان، «بدیع الزمان همدانی» را مبدع مقامات می دانند و حریری را از مشهورترین مقامه نویسان بعد از او برمی شمارند. علاوه بر این شاهد فعالیت های دیگری در زمینه داستان هستیم که در این راستا سفرنامه هایی مانند «رحله ابن جبیر»، «ابن بطوطه»، خرافات و شرح حال اشخاص مانند «سیره عنتره» و «سیره بنی الهملال» به داستان نویسی اضافه می شود. (جمع من المؤلفین ۳۶۳)

بعد از نیم نگاهی به ادبیات عربی قدیم که با مجموعه عظیمی از انواع قصه ها آشنا شدیم می توان گفت که ملت عربی بر حسب فطرت و سرشت طبیعی خود، علاقه ویژه ای به داستان سرایی داشتند و قصه به مفهوم اصلی خود از همان ابتدا در میان آنها وجود داشته است. چنانچه که جنبش و تحولات فکری غربی ها مرهون قصه های غربی قدیم می باشد زیرا آنها قبل از اطلاع بر نمونه هایی همچون هزار و یک شب و سند باد هیچ آشنایی ای با مفهوم قصه نداشتند. در مجموع می توان بیان داشت که قصه عربی با آهنگ زمان ترقی یافت. ادبیات عربی قدیم که دربردارنده بسیاری از انواع قصه های قرآنی و انبیاء و سیره نبی، مقامات و سفر نامه ها و داستان های خیالی و زندگی نامه می باشد میراثی گرانبها و ارزشمند در زمینه ادبیات داستانی عربی بر جای نهاده است. همانطوری که ادبیات عربی در دوره انحطاط به خاطر حمله مغولان و سقوط خلافت عباسی رو به ضعف نهاد می توان گفت که در این دوره ادبیات داستانی نیز در خواب قرون وسطایی فرو رفت و به دلیل جنگها و حکومت نالایق امیران مغولی رنگ و جلوه ای نداشت.

۳-۱) خاستگاه داستان نویسی معاصر عربی :

بین پژوهندگان معاصر درباره پیدایش داستان معاصر عربی اختلاف نظر است، گروهی معتقدند که منشأ اصلی داستان، عربی است و آن را حاصل میراث کهن عربی و تداوم آن می

دانند، گروهی دیگر منکر رابطه بین داستان جدید و قصه های قدیمی اند و بر این باورند که داستان جدید حاصل ارتباط ملت عرب با غربی هاست. در این مجال برآنیم که به آراء ضد و نقیض ادیبان و صاحب نظران در پیدایش ادبیات داستانی عربی بپردازیم.

از جمله کسانی که ریشه و اساس ادبیات داستان عربی را در میراث کهن خود عرب هاجستجوی کند «فاروق خورشید» است که می گوید: «داستان عربی ریشه در قدیم دارد، از زمان پیدایش اسطوره ها تاریخ نشان می دهد که عرب ها قصه و داستان روایت می کردند که این ناشی از علاقه وافر انسان به قصه است. داستان عربی با قصه خارجی به صورت اسطوره شروع شد و پس از آن به شکل داستانی از زبان انسان نقل می شود و به شکل اسطوره تاریخی و حماسه های قدیم که در سیر ملی مانند «سیره عنتره، سیف بن ذی یزن، ذات الهمه، حمزه پهلوان و ظاهر بیبرس» نمود یافته بود، متحول گردید. بعد از آن، مرحله ای بوجود آمد که آمیزه ای بین این نوع از سیر و ادبیات بوجود آمد زیرا شاهد استقلال سیر ملی و مردمی در شکل فنی مانند مقامات و فصل های داستانی در کتب ادیبان همچون قصه های حیوانات نزد ابن مقفع و فصل های طنز آمیز نزد جاحظ می باشیم. (الدقاق ۳۳۴)

یوسف شارونی نیز می گوید: میراث ادبی کهن عربی در بردارنده مجموعه های داستانی دارای یک موضوع مشخص بود مانند کتاب البلاء جاحظ (۱۶۰-۲۵۵هـ). مکافاة وحسن العتبی از تنوخی (۳۳۷-۳۸۴هـ). (القصة ۳۸)

توفیق حکیم در این زمینه بر این باور است که ادبیات داستانی عربی ریشه در قدیم دارد و با استناد به سوره قصص در قران کریم می گوید: «تاریخ ادبیات داستانی عربی نسبت به تاریخ ادبیات داستانی اروپایی از قدمت بیشتری برخوردار است. از جمله خاورشناسانی که به وجود ریشه های قوی هنر داستان در ادبیات عربی معتقدند می توان